

اسماعیل صبری پاشا

این شخص بزرگترین شاعر عربی مصری در عصر حاضر بوده و در ماه مارس (۱۹۲۳) مسیحی و (۱۳۴۱) هجری بعالم قدس شتافته و عالم ادبیات مصر را سوگوار ساخته .

مجله المقتطف مقاله مبسوطی بقلم یکی از ادبای مصر تحت عنوان (شعر صبری) ثبت کرده که از نقطه نظر ادبی و آشنائی ادبای ایرات با روح ادب مصری سزاوار ترجمه و طبع بود . از این سبب پس از ترجمه بطبع آن پرداختیم .

(شعر صبری)

در بیست و یکم ماه مارس از این سال شعر عربی عمده شیخوخیت را از سر گرفته بر گشود و کفن برید و آنگاه یادگار بزرگان و مشایخ و ادب مرحوم اسماعیل صبری پاشا را در آن مکفون و مدفون ساخت .

این مرد از رجال بزرگی است که در تاریخی بوجود می آیند که مرد بزرگ بوجود نمی آید و از آن در غیر زمان خود می آیند تا بعد از این زمان زمان خود را بیاورند .

در این گونه مردان هر چند قوه ظاهری بیش از

دیگران نیست ولی اینان قدرت و تازگی هائی هستند که پس از تولد در مهد انسانیت نشو و نما میکنند تا نواقص را مبدل بکمال و بدی هارا بخوبی عوض سازند و چیزهای معدوم را موجود کنند .

اینها حدود زمان سعادت هستند که بیکمی از آنها زمان ابتدا میشود و پس از تغییر و تبدیل باو بیک زمان دیگر مبدل میگردد بامرد دیگر

(صبری) در يك جانب شعر و با رودی در جانب دیگر جای گرفت چنانچه کوئی این دو نقر دو طرف محور آسمان گردنده شعر و ادب شدند تا شعر بعد از تاریخ مرده تاریخ زنده دیگری را آغاز کند و از محیط تیره مغاک خاک بفضای روشن از نور معانی عالم افلاک صعود سازد و نسیم عالم علوی گرد و غبار اخلاق ابناء زمان را از دامنش برفشاند و هم لذت آن نسیم علوی درهائی را که زمانه از اخلاق بد بر روی اهل و خانواده وی گشوده بریندد .

کشور شعر محتاج بیک پادشاه بود و دو پادشاه یافت و خدای داند که من در تمام شعرائی که دیده‌ام نظیر این دو مرد از حیث خلق و خلق و ظرافت و ادب و رقت ندیده‌ام

و هیچ گفتار صلاحیت شرح حال اینان را ندارد و باهیچ بیان نمیتوان آنچه در وجود آنهاست مؤکد ساخت یا یک

معنی از معانی آنانرا تقویت کرد
 کوئی این دو نفر ایجاد شدند تا یکی مبدء و دیگری
 منتهی و یا در محل خود از اطراف تا هر کجا بنگری متفرد
 و بیکه باشند شعر پیش از عهد این دو نفر وصله بوسیده بر
 جامه کهنه بیش نبود .

ادبای اندلس از این جامه کهنه در سابق به « اغراض
 مشرقیه یا طریقه مشرقیان » تعبیر میکردند و مقصود آنان از
 این عبارت این بود که مشرقیان از معنی در گذشته و با صنایع
 و تکلفات بدیعیه و عالم الفاظ دست و گریبان شده‌اند .

این گونه شعر در قرن هشتم و نهم هجری تولد یافت
 و مدتها باقی ماند تا اینکه از فرط کهنگی بخصوص در مصر از
 یکدیگر فرو ریخت .

در نتیجه قرن سیزدهم از این جامه کهنه پیش از
 چند رقعہ و ریسمان در قصائد و مقاطع دیده نمیشد و در
 این روز بود که شعرا فن ادب را کسب و حرفه قرار داده
 و مثل سایر صنعت‌ها از آن آرزوی تزیین و عیش رانی
 می‌کردند .

ناگاه « بارودی » ظاهر شد و چندین سال قبل از
 آنکه « صبری » شعر بسراید در شاعری بسرحد نا بغیت رسید

ولی تنها ادبیات فارسی و جزالت عربی را در شعر گنج‌انیده
آنکاه « صبری » ظهور کرد و ادب اروپائی و رقت عربی
را در شعر جای داد و اینجا است محل تفاوت ما بین اشعار
این دو شاعر که خیالات خود را از دو طرف زمین شکار
کرده‌اند .

این دو شاعر را روش و طبع و آرایش سخن مختلف
است . بارودی در پی استحکام میرود و شدت استواری وسطبری
را باسبک دلپسند خود جمع میکند و آنکاه خیالات آسمانی را
همان در نیمه راه هبوط و در قلب نارسیده به معرض نمایش
می‌آورد .

ولی صبری در پی رقت و نازکی میرود . و برصفای لفظ
جمال خوبی و شیرینی رقت را می‌فزاید و افکار قدسیه را پس از
وصول بقلب بمعرض نمایش میگذارد .
بارودی ترازی زبان را در دست گرفته حروف و کلمات را
بدان میسنجید .

ولی صبری ، با میزان ذوق که ورای زبان است
کار میکند .

برای هر يك از این دو شاعر اسباب کار مناسب او را طبیعت
مهیا داشته و بارودی دارای حافظه وسیعی است چنانچه گوئی
از دواوین عرب و مولدین .
بقیه دارد